

طنز

نصایحی برای براندازان

چند روز پیش براندازان خدمت جمهوری اسلامی جمع می شدند در برلین برگزار کردند که در نوع خودش جمع خوبی بود. البته منظورمان از «نوع خودش» همین نوع تجمع‌های زورکی براندازان است که خب توقع زیادی ازشان نمی شود داشت. ولی ما در ادامه چند نصیحت دلسوزانه به این عزیزان می کنیم که من بعد سوتی‌های کارشان کمتر شود. بالاخره بعد از چهل و خرده‌های سال براندازی بعضی چیزها زشت است.

۱. یک چیزی شنیده‌اید که رژیم توی راهپیمایی‌ها ساندیس پخش می کند، گفتید ما هم ساندویچ بدهیم بوزشان را بزنیم؟ رژیم که نمی آید شب قبل از راهپیمایی شماره حساب اعلام کند تا ملت نفی پنج‌هزار تومان پول بزنند و فردایش بروند با ارائه فیش واریز ساندیس‌شان را بگیرند. شما که الان کارتان دست تجمع‌کننده‌ها گیر است و لازم‌شان دارید دیگر پول آن ساندویچ و آب معدنی را پیش‌پیش ازشان نگیرید خوش‌انصاف‌ها! یا لافل بگویید کرایه اتوبوس را مهمان باشند. بعدش هم با آن پولی که بابت یک ساندویچ زهرتی می گیرید می شود رفت یک پرس چلوکباب با گوجه اضافه خورد. فکر نکنید کسی حواسش نیست.

۲. شما که فقط مانده از قبایل اسکیموی نوار قطبی شمال، آدم برای تجمع بیایید، باید منوی خوراکی‌های تان متنوع تر باشد و با یک ساندویچ سر و تهش را جمع نکنید. مثلاً آفریقایی‌ها این میوه‌های استوایی را دوست دارند، کراهی‌ها از حلزون و جک و جانور خوش‌شان می آید، حتی به نظرم یک خرده گوشت خام نهنگ هم دم دست داشته باشید. آدمی و یک وقت چهار تا اسکیمو هم توی جمعیت بودند، طفلکی‌ها شکم گشنه از تجمع برنگردند، پولش را می گیرید دیگر! به بعضی از گروه‌هایی که خیلی تابلو هستند بگویید بالاخره تا پرچم نیاورند. پرچم‌شان توی عکس‌ها سوزه می شود و بعد رسانه‌های رژیم برای تان دست می گیرند. این گروه‌ها بهتر است یک جور دیگری موجودیت‌شان را اعلام کنند. مثلاً گروهک تروریستی الاحواز به جای آوردن پرچم، زیر لباس‌شان اسلحه‌های چیزی قایم کنند و در پایان تجمع دم بیست نفر را به رگبار ببندند یا بمب و نارنجکی زیر پای جمعیت ول بدهند. خطی‌اش کمتر است، ولی دقت کنید پرچم اسرائیل حتماً باشد. خاطره می شود. پانزده بیست سال دیگر چقدر از این تجمع‌ها برپا شود و آنها نباشند! همین عکس‌هاست که از آدم می ماند. آن وقت عکس‌ها را نگاه می کنید و می گوید یادش بخیر آن زمان‌ها اسرائیل هنوز وجود داشت.

۳. قوانین طرح شده برای تجمع خیلی سخت است. ملت آشغال که نباید بزنند، فحش و فسیحت هم نباید بدهند، فقط مانده بود بنویسید شب قیام مسواک بزنند و انگشت در دماغ‌شان نکنند. (البته این که در قوانین خاطر نشان نکرده‌اید دستشویی کردن در ملا عام حین تجمع ممنوع است خودش پیشرفت بزرگی محسوب می شود، هر چند تجمعی که به همجنس‌بازان تریبون می دهد، با قضیه‌ای در حد دستشویی کردن جلوی چشم ملت حتماً مسأله‌ای ندارد!) ولی خداییش اقتدر سخت نگیرید. پلیس اروپا هم که برعکس پلیس ایران خیلی مهربان است. من شنیده‌ام توی اروپا وقتی تجمع می شود پلیس‌ها می آیند می گویند تو را به خدا یکی بزنی توی گوش ما، اینجوری ما معذیبیم. چند تا چیز که در تجمع آزاد است - هر چند بدیهی باشد - در آیین‌نامه قید کنید مردم تشویق شوند. مثلاً استعمال کوکائین، یا همان مورد دستشویی که ذکر کردیم.

مرد از بیس عجله کردی دندون مصنوعی هامو فراموش کردم.. حالا چطور ساندویچی که اونجا قول دادن میدن بخورم!!!!

بیادندونا منو قرض بگیر...
 همه جور حزب گراست...!!!
 ولش کن اونوو...
 ایشناخ میشناخ پیخ...*

دور اروپا در یک روز مقصد برلین (با اعمال ساقه)

۴. کفتم به تنوعی شه بعد سال ها...
 مکه تگفتی هزینه سفر با خودشونه؟؟ هر چی پس انداز داشتیم که ریختی تو حلقوم اینا!!!!

* ۴۰ درصد حق الزحمه ما که طی کردیم به محض سوار شدن می دین رو زودتر رد کنین بیاد تا از اینجوره نبریدیم بیرون!



مرغیبه سادات آل ایوب

در ذکر شیخ الملولی علیه الرحمه

نقل است روزی شیخ با مردان از بازاری می گذشت. پسری را دید که می گریست. گفت: «از چه می گری؟» گفت: «کودکان جامه دارند و من ندارم.» نگاه شیخ احوالش دگرگون گشت. مردان وی را برگفتند: «با شیخ ما کفایت کنیم وی را از جامه». شیخ با گفت: «اظهار ملولی، ما را کفایت است و عمل، ما را شقاوت» مردان چون این سخن بشنیدند، چونان اسپند برای شیخ دود کردند که عن قریب بود به جرم اغتشاش در بازار بگیرندشان. چون جلوتر رفتند دیدند که بانگ «هلپ می» برآمد. بنگرستند که فریبهی، رنجوری را آسفالت می کند. شیخ زردروی شد. مردان گفتند با شیخ اجازتی بده تا رنجور را بهلیم. شیخ بازگفت: «هلاندن از فروغ باشد، اصل بر اظهار ملولی است.» اندکی جلوتر مستی دیدند که اسباب پیرزی روده بود، مریدی قدم تند کرد که مست را سرکه بخوراند. شیخ بازگفت: «چو من ز بی عملی در جهان ملول باش و همین». بدان هر رنجی بر خلق فرود آید، یقیناً فرجش در اظهار ملولی ماست. گویند مست تا این بشنید سبو بشکست و خمر بریخت و گفت: «اکون که این عمل از شیخ بدیدم همت گمارم بر تاسیس سازمانی ملول نام، که جملگی خلق در آن اظهار ملولی کنند.» گویند چون آوازه سازمان ملول به مشرق و مغرب زمین رسید جملگی خلق ممبرشپ آن شدند، تا آنجا که بر اثر اختلاف زبانی به سازمان ملل تغییر نام یافت. گویند این واقعه در سنه ۱۹۴۵ اتفاق افتاد.

فرشته پناهش

ته چاهم ولی شبیه لیدر می دهم راه را ز چاه نشان
 لاجرم از سر شکم سیری بیقرارم برای لقمه نان
 بس که در نقش خود فرو رفتم یکچو گفتم که: زنده باد ایران...
 با جلیقه شعار می دادم که به صرف تکک شدم مهمان!

بایکوت خبری اعتراضات فرانسه و پوشش حداکثری ایران

بغای خواهنم، خواهنم خواهنم خواهنم

آغامتین* کوشوغ دنیاست، فغانس مهد ادب و کلاست بالاست فغانس باتوم که نه! خوفاک آشوبگشش نون بیغنی و کغه مغیاست فغانس *آرام ترین
 با گاز اشک آور که در دست پلیس است می آید اشک شوق و چشم خلق خیس است دورهمی دارند ملت در خیابان...
 اخبار دنیا دست مشتکی کاسه‌لیس است!

با چوب و شوکر به شصت حالت بزنید با کل توان و زور و قدرت بزنید ما مهد تمدنیم پس سعی کنید با خنده و در اوج اصالت بزنید

«ایرانیان اسپرند» این جمله تیرت باشه هشتگ بزن که سرکوب با کلت و با کلاشه باید بمونه ایران در زیر ذره‌بیننا شورش توی اروپا، یا نیست یا یواشه

زمستان سرد

خانه از پای‌بست شد ویران من در اندیشه تم ایوان!
 گرچه آتش بیار معرکه‌ام هیزمی نیست بهر آتش‌مان
 هی برای تو نسخه می‌پیچیم خود گرفتار درد بی‌درمان



فیفا به ایرانی‌ها خوش آمد گفت

بایاتی بر شایعات عدم حضور تیم ملی فوتبال در جام جهانی



هانیه سادات حسینی‌زاده

از این وره یا به اون وره؟

شاهزاده رضا پهلوی در نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره کودتای ۲۸ مرداد، ضمن پاسخ ندادن، گفت: معترضان بی‌دفاع ایران هم‌اکنون به یاری سبز خارجی‌ها نیازمندند و اگر خودشان تنهایی انقلاب کنند و عوامل خارجی هم مثل ماست نگاه کنند، با آنها قهر می‌کنیم. وی افزود: حتی شاید تا روز قیامت! او سپس بی‌توجه به سوال گفت: بعضی آدم‌های دمه می‌گویند نباید در کشور دخالت خارجی باشد. اما مگر دنیا چند روزه؟ اینکه همه دور هم در کشور حکومت کنیم بهتر است یا اینکه هیچ کدام هیچ پخی نشویم؟ مثلاً آزادی عقیده را در میان معترضان برلین ببینید. اصلاً چه عیبی دارد کنار پرچم شیر و خورشید برای تنوع، چندصد تا پرچم دیگر هم باشد؟ تازه‌شم من که تنها نمی‌توانم مملکت را اداره کنم؛ آمدیم و پس‌فردا مامان فرد.
 پهلوی در ادامه با عدم اشاره به کودتا ابراز داشت: ۲۸ مرداد هم در واقع روزی است که از نیمه ماه که به آخرش نزدیک شده، در واقع دو روز به ولش رفته و نیمه رو اگر وارونه کنیم، به نوعی... اجازه بدید به فرانسه توضیح بدم.
 شاهزاده در پایان با اکراه گفت: باشه اصن! حالا یکی دستش خورده به کودتایی شده. از قدیم فتن آمریکا و انگلیس کودتا کنند، ابلهان باور کنند! اصلاً مگر کودتا از پایین به بالا نیست؟ نیست؟ چپ به راست؟ منتهی الیه شمال شرق ضلع جنوبی به غرب؟ عه، آقا، اصلاً مامان از ترس اینکه تو روحیه‌ام اثر منفی بذاره، قضیه‌شو برام تعریف نکرده به خدا!



پا تو کفش بابا

او هدایت می کند هر چیز را اغتشاش خرده و ناچیز را سطح‌های شیب دار و سُرُسره روسری و شال‌های کتیز را شُل حجایی را حمایت می کند دوست می دارد نگاه هیز را پای در کفش پدر جا داده و کاخ پنداریده آن دهلیز را در بهار جان تنش چاییده است می خورد هی قرص اسمارتیز را کودتاها را حمایت می کند تا بگیرد صندلی و میز را

امیر بزدی فروغی

معترضم اعزامی به برلین

یک لشکر آواره به برلین بفرستید مرد و زن بیچاره و مسکین بفرستید با کامیون و مترو، اتوبوس و سواری با وانت و مزدای دو کابین بفرستید با یاری هر دولت مستعمره غرب یا با کمک دولت پوتین، بفرستید دنبال فراوانی جمعیت شهریذ؟ یک لشکر تزیین شده از چین بفرستید هر کس که نیبوست به آشوب، به بی‌ویش صد فحش و وقیحانه سنگین بفرستید چون اردوی مفتی است جوانان فقل را از نسترن و آرش و افشین بفرستید یک وقت نیفتند ز پا لشکر دودی؟ نوشابه آلوده به مرفین بفرستید! در رفته حج پیر نری، قبل فراخوان او را دو سه روزی سر تمرین بفرستید تا گرم شود مجلس‌شان با اثری شاد ساسی - نجفی (از نوع شاهین) بفرستید با پرچم احوازی و همجنس‌گرایی پیغام به استاد شیاطین بفرستید نفرین‌شدگانند که پابند شمایند هر چه دل‌تان خواسته نفرین، بفرستید ای اهل خدا، مشکل اینها همه دین است در پایتکی از نور خدا دین بفرستید



به یک پیرزن مجرب با ویزای فرانسه جهت برگزاری کنفرانس آموزشی با موضوع ساخت کرسی بدون سوخت فسیلی نیازمندیم.

آموزشگاه بین المللی باغ‌نشینان متمدن
 به صد جین پتوی پلنگی در حد نو جهت اعزام فوری به ادارات فرانسه جهت استفاده کارمندان نیازمندیم. گروه خیریه پناه یخ‌زدگان

چیستان

آن چیست که چیستان است، چاره غرب است ولی جنگه نیست، سوخت زمستان است ولی نفت نیست، بویش فراوان است ولی عطر نیست، محصول دام است ولی پشم نیست؟

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نشر: اعظم سادات موسوی
 دبیر سرویس شعر: صامره حبیبی
 دبیر سرویس کارتون و فنی:
 سید محمدجواد طاهری

راه‌های ارتباطی: @tanzym-ir
 ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!



برلین دوباره قبیله اهل دغل شده جای برای مخفل ضرب‌الاجل شده یک مشت بوق جمع شدند از حوالی‌اش این باغ‌وحش آخر کور و کچل شده



پذیرایی که خیلی مختصر بود ز هر قشری چلاق و کور و کر بود اگر چه متحد بودیم اما... دو صد پرچم برای صد نفر بود



مجازی هشتکش دائم به راه است اگر چه فیک اما رو به راه است براندازان برلین پس کجایید؟ که آمار حقیقی اقتضاح است



با تا گل برافشانیم و هی در منقل اندازیم بریم برلین و به دودی بدیم و خویش برسازیم برو پرچم بیار تا ۶۰ طرح نو دراندازیم آهای ال‌جی‌بی‌تی! چندان خفه‌شو! ما براندازیم!



برانداز خیابان‌های برلین یکی کنج قفس یا توی کابین شبیه گمبری که تازه فهمید نکرده سیو، تنها کرده تمرین

مشاور